

# ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فارسی (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

**ب) آزمون طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول، مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزار شده در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

**الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

**ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نهایی روبه‌رو هستید. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۱ و شهریور ۱۴۰۲ است.

۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۸ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

**یک راهکار:** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های ۱ تا ۹ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



## درس فارسی (۳)

## فهرست

صفحه صفحه  
نوبت آزمون پاسخ‌نامه

نمره	موضوع‌ها	قلمروها
۱	معنی واژه	زبانی (۷ نمره)
۲	املای واژه	
۴	دستور	
۱	تاریخ ادبیات	
۳	آرایه‌های ادبی	
۱	حفظ شعر	
۴	درک مطلب	فکری (۸ نمره)
۲	معنی و مفهوم نثر	
۲	معنی و مفهوم نظم	
۲۰	کل	

آزمون شماره	نوبت	صفحه	صفحه	نوع	توضیحات
۱	اول	۳	۴۳	(طبقه‌بندی شده)	
۲	اول	۶	۴۳	(طبقه‌بندی شده)	
۳	اول	۹	۴۴	(طبقه‌بندی نشده)	
۴	اول	۱۲	۴۴	(طبقه‌بندی نشده)	
۵	دوم	۱۴	۴۵	(طبقه‌بندی شده)	۵ نهایی خرداد ۱۴۰۰
۶	دوم	۱۸	۴۶	(طبقه‌بندی شده)	۶ نهایی شهریور ۱۴۰۰
۷	دوم	۲۲	۴۶	(طبقه‌بندی شده)	۷ نهایی دی ۱۴۰۰
۸	دوم	۲۶	۴۷	(طبقه‌بندی شده)	۸ نهایی دی ۱۴۰۱
۹	دوم	۳۰	۴۸	(طبقه‌بندی نشده)	۹ نهایی خرداد ۱۴۰۱
۱۰	دوم	۳۳	۴۸	(طبقه‌بندی نشده)	۱۰ نهایی خرداد ۱۴۰۲
۱۱	دوم	۳۷	۴۹	(طبقه‌بندی نشده)	۱۱ نهایی شهریور ۱۴۰۱
۱۲	دوم	۴۰	۴۹	(طبقه‌بندی نشده)	۱۲ نهایی شهریور ۱۴۰۲

شماره	نوبت اول پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)	ردیف
<b>آزمون شماره ۱</b>					
<b>درس اول</b>					
۱	در معنی‌کردن عبارت‌ها و اشعار، متماً از کلمات مترادف استفاده کن تا راحت‌تر معنی کنی.			عبارت زیر را معنی کنید. «عصاره تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.»	۱
۰/۲۵				معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «نتوان شبیه تو گفتن که تو در وهم نیایی»	۲
۰/۵	معنی کلمات و معادل‌های معنایی از دو منبع طرح می‌شن؛ (۱) واژگان پایان کتاب (۲) سؤالات بخش قلمرو زبانی هر درس.			در میان واژگان زیر، معادل معنایی هر مورد را مقابل آن بنویسید. «معاملت، اینابت، وظیفه‌بریدن، وسیم، خلعت» الف) جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد: ب) قطع کردن مقرری:	۳
۰/۵	کلمات «سجع» معمولاً در پایان جمله‌ها میاد!			در عبارت زیر «تضاد» و «سجع» را بیابید. «هر نفسی که فرومی‌رود، مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَح ذات.»	۴
۱				در هر یک از موارد زیر چه نوع حذفی دیده می‌شود؟ الف) هر نفسی که فرومی‌رود مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید مَفْرَح ذات. ب) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.	۵
<b>درس دوم</b>					
۰/۵				مصراع زیر را به نثر روان معنی کنید. گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»	۶
۰/۲۵				معنای واژه مشخص شده را بنویسید. گفت: «باید حد زَند هشیماز مردم، مست را»	۷
۰/۵				در میان گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. «سرای والی - داروغه و نگهبان - قرامت و تاوان - حد و مجازات - واعظ و نصیحت‌گو - تزویر و دورویی»	۸
۰/۲۵	این یک سؤال پرکاربره! متماً یادش بگیر.			مصراع «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد؟	۹
۰/۵				در سروده «مست و هشیار» از شیوه ..... استفاده شده است که در اصطلاح ادبی به آن ..... می‌گویند.	۱۰
۰/۵				بیت‌های زیر را کامل کنید. در مکتب حقایق، پیش ادیب عشق .....	۱۱
۰/۵				نوع «را» در مصراع «گفت نزدیک است والی را سرای آن جا شویم» چیست؟ توضیح دهید.	۱۲
<b>درس سوم</b>					
۰/۷۵				شعر زیر را معنی کنید. «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بَدَر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»	۱۳
۰/۲۵				معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ...»	۱۴
۰/۲۵				در بیت «همت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود» واژه «همت» به چه معناست؟ ۱) عزم      ۲) مقاومت      ۳) توجه از صمیم قلب به خدا      ۴) دعای خیر	۱۵
۱	مفهوم هر بیت رو مقابله بنویس.			مفاهیم زیر در کدام ابیات دیده می‌شود؟ «مبارزه با سلطه بیگانگان - جان‌فشانی در راه وطن - ستمگر بودن حاکم زمان - دعوت به مبارزه برای آزادی» الف) فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد پ) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن ت) آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم	۱۶

کتابخانه	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	<b>آزمون شماره ۱</b>			نمره
<b>درس پنجم</b>				
۱۷	۰/۵	مصراع زیر را به نثر روان معنی کنید. «از سیم به سر یکی گله خود»		
۱۸	۰/۵ ۰/۵	در بیت زیر: «تو مشیت درشست روزگاری از <u>گردش</u> قرن‌ها پس‌افکند» الف) ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید. ب) هر یک از واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟		
۱۹	۱	در هر یک از موارد زیر آرایه نوشته شده در مقابل هر بیت را نشان دهید. الف) ای مادر سرسپید بشنو این پند سیاه‌بخت فرزند (کنایه و مفهوم آن) ب) بگری ای چو ازدهای گرزه بخروش چو شرزه شیر آرغند (جناس و نوع آن)		
۲۰	۰/۵	مفهوم شعر زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟ توضیح دهید. «دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟» ۱) شو منفجر ای دل زمانه ۲) ای مادر سرسپید بشنو ۳) برکش ز سر این سپیدمِعْجَر ۴) زمین بی‌خردان سیفله بستان وان آتش خود نهفته مپسند این پند سیاه‌بخت فرزند بنشین به یکی کبوداورند دادِ دلِ مردم خردمند		
<b>درس ششم</b>				
۲۱	۰/۵	شعر زیر را معنی کنید. «در غم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد»		
۲۲	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «بی آنک آن بزرگ، نزد حق یاد کند و عرضه دهد.»		
۲۳	۰/۵	آیا آرایه ادبی «اسلوب معادله» در هر دو بیت زیر وجود دارد؟ توضیح دهید. ● عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را ● محرم این هوش جز بی‌هوش نیست سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را مر، زبان را مشتری جز گوش نیست		
۲۴	۰/۵	منظور از قسمت‌های مشخص شده چیست؟ «روزها گر رفت، گو رو، <u>باک نیست</u> <u>تو بمان</u> ای آن که جز تو پاک نیست»		
۲۵	۰/۲۵ ۰/۲۵	با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «بشنو این نی چون حکایت می‌کند کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند الف) مقصود مولوی از «نی» چیست؟ ب) «بریدن» به چه معناست؟ از جدایی‌ها شکایت می‌کند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»		
<b>درس هفتم</b>				
۲۶	۰/۵	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. «در عشق قدم‌نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.»		
۲۷	۰/۲۵	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «به <u>حُسن</u> - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن»		
۲۸	۰/۵	در جمله زیر واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟ « <u>محبت</u> چون به غایت رسد آن را <u>عشق</u> خوانند.»		

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱			نمره
۰/۵	پدیدآورندگان آثار زیر را نام ببرید. الف) فی حقیقة‌العشق (ب) تمهیدات			۲۹
۰/۲۵	در بیت زیر کدام کلمات تضاد دارند؟ «در عالم پیر هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است»			۳۰
۰/۵	بیت زیر را کامل کنید. آیینة نگاهت، پیوند صبح و ساحل .....			۳۱
۰/۵	از نظر سهروردی: «اول پایه ..... است و دوم پایه ..... و سیم پایه، عشق.»			۳۲
<b>درس هشتم</b>				
۰/۲۵	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «پیرمرد از داخل کازینه روی میز یک پاکت برداشت.»			۳۳
۱	در هریک از موارد زیر نادرستی املايي را بیابید و تصحیح کنید. الف) از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار قاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد. ب) کلنوپاترا، مار زهردار بر بازوی خویش می‌نهاد و آتش عشق بی‌امان خود را با چراغ حیاط خویش، خاموش می‌کرد.			۳۴
۰/۵	در کدام گزینه «ممیز» وجود دارد؟ آن را مشخص کنید. (۱) پنجاه متر ارتفاع (۲) بانک اعتبارات ایران (۳) قدرت قلم نویسنده (۴) گیرایی سخن او			۳۵
۰/۵	در بیت زیر «جناس همسان (تام)» را بررسی کنید. «کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟»			۳۶
<b>درس نهم</b>				
۰/۵	گروه‌های اسمی زیر را از نظر داشتن «وابسته وابسته» بررسی کنید. الف) قلب آن کویر (ب) دوست بسیار مهربان			۳۷
۰/۲۵	در عبارت: «بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را روشن نگاه دارد.» الف) منظور از «چشم‌ها به او بود» چیست؟ ب) «گرم کردن و روشن نگاه داشتن چراغ علم و ...» چه مفهومی دارد؟			۳۸
۲۰	موفق باشید			جمع نمرات

کتابخانه	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۱			ردیف
۰/۲۵	<b>آزمون شماره ۹</b>			
۰/۲۵	<p>۱ <b>قلمرو زبانی (۷ نمره)</b> در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «شادی» بیابید. «همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی»</p>			
۰/۵	<p>۲ برای هر یک از واژه‌های مشخص شده یک برابر معنایی مناسب بنویسید. الف) اگر کوه آتش بود <u>بسپرّم</u> (ب) به عنوان <u>ولیمه</u> کباب غاز صحیحی بدهد.</p>			
۰/۲۵	<p>۳ معنی واژه «دستور»، در بیت زیر با معنی آن در کدام گزینه یکسان است؟ «چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور» (۱) گر ایدونک دستور باشد کنون (۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست (۳) به دستور فرمود تا ساروان (۴) بر مصطفی بهر رخصت دوید</p>			
۰/۵	<p>۴ املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) آلا و لله که امروز باید (ناهار - نهار) را با ما صرف کنی. ب) شاهان باز شکاری را روی (شصت - شست) می‌نشانند و با خویشتن به شکار می‌برند.</p>			
۰/۲۵	<p>۵ در هر یک از متن‌های زیر، واژه‌ای بیابید که دارای «هم‌آوا» باشد. الف) کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه غدر ناجوان مردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان ب) هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من پ) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.</p>			
۰/۵	<p>۶ در هر یک از موارد زیر، املاي یک واژه نادرست است؛ آن را بیابید و درست آن را بنویسید. الف) پیرمرد از داخل کاذبه روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حواله مخارج قریب شش ماه من را نوشت. ب) پس از عزیمت رضاشاه، همه تبعیدی‌ها رها شدند و به ایل و اشیره بازگشتند.</p>			
۰/۲۵	<p>۷ در کدام گزینه غلط املايي دیده می‌شود؟ (۱) نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود. (۲) کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می‌نگریست. (۳) چنان می‌نمود که در چهار گوشه اتاق، درفش ملّی ما را به احتزاز درآورده باشند. (۴) قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مقهور گردد.</p>			
۱	<p>۸ با توجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «داشتم می‌گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / و چه سرمایی، چه سرمایی! / لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / ... قهوه‌خانه گرم و روشن بود، همچون شرم ... / همگنان را خون گرمی بود.» الف) واژه «دی» کدام یک از انواع وابسته وابسته است؟ ب) نقش دستوری واژه «خوشبختانه» را بنویسید. پ) زمان کدام فعل «ماضی مستمر» است؟ ت) نوع واو مشخص شده را تعیین کنید.</p>			
۱	<p>۹ با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. (۱) از سیم به سر یکی گله خود (۲) ای مشت زمین بر آسمان شو (۳) ای مادر سرسپید، بشنو الف) در بیت اول، نوع حذف، قرینه لفظی است یا معنایی؟ ب) کاربرد معنایی فعل «شو» اسنادی است یا غیراسنادی؟ پ) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید. ت) هسته گروه اسمی «این پند سیاه‌بخت فرزند» را تعیین کنید.</p>			
۰/۵	<p>۱۰ نمودار گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم کنید و نوع وابسته وابسته را در آن تعیین نمایید.</p>			
۰/۵	<p>۱۱ در همه گزینه‌ها به جز ..... جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می‌شود. (۱) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند. (۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد. (۳) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند. (۴) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.</p>			

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۱			ردیف
۱	<p>با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های داده‌شده را تعیین کنید.</p> <p>«صد هزاران سایه جاوید، تو گم‌شده بینی ز یک خورشید، تو چون نگه کردند آن سی‌مرغ زود بی‌شک این سی‌مرغ آن سیمرغ بود خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی‌مرغ تمام»</p> <p>الف) واژه «تو» نقش تبعی تکرار و واژه «خود» نقش تبعی بدل دارد. <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست</p> <p>ب) بیت دوم، یک جمله غیرساده است و مصراع اول، جمله وابسته آن است. <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست</p> <p>پ) نقش دستوری واژه «تمام» در هر دو مصراع بیت سوم، «قید» است. <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست</p> <p>ت) مفهوم «آن» در واژه «صد هزاران» همانند واژه «آن» در واژه «بهاران» است. <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست</p>			۱۲
۰/۵	<p><b>قلمرو ادبی (۵ نمره)</b></p> <p>بیت زیر را با مصراع مناسب کامل کنید.</p> <p>..... من این زیبا زمین را آزمودم؛ میهن ای میهن!</p>			۱۳
۰/۵	<p>مصراع دیگر هر یک از بیت‌های داده‌شده را انتخاب کنید.</p> <p>الف) «آه این سر بریده ماه است در پگاه؟ .....»</p> <p>ب) «.....»</p> <p>۱) یا ماه بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟ ۲) یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟</p> <p>۱) به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم ۲) اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار</p> <p>به هر حالت که بودم با تو بودم؛ میهن ای میهن!</p>			۱۴
۰/۵	<p>مفهوم نمادین هر یک از موارد مشخص شده را بنویسید.</p> <p>الف) «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» ب) ناگهان انگار / بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او، شغاد، آن نابردار بود</p>			۱۵
۰/۵	<p>با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.</p> <p>۱) «گر در سرت هوای وصال است، حافظا باید که خاک درگه اهل هنر شوی» ۲) «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک»</p> <p>الف) در کدام واژه بیت نخست آرایه «مجاز» وجود دارد؟ ب) در بیت دوم، کدام واژه‌ها آرایه «جناس» را پدید آورده‌اند؟</p>			۱۶
۰/۵	<p>مفهوم هر یک از کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.</p> <p>الف) این سال نو به شما مبارک باشد و هزار سال به این سال‌ها برسید. ب) دیدم ماشاءالله چشم بد دور، آقا و اترقیده‌اند.</p>			۱۷
۰/۵	<p>در همه ابیات به جز گزینه ..... زمینه «ملی» حماسه آشکار است.</p> <p>۱) پراکنده کافور بر خوبستن ۲) چنین است سوگند چرخ بلند ۳) رخ شاه کاووس پرشم دید ۴) بدان گاه سوگند پرمایه شاه</p> <p>چنان چون بود رسم و ساز کفن که بر بی‌گناهان نیاید گزند سخن‌گفتنش با پسر نرم دید چنین بود آیین و این بود راه</p>			۱۸
۱	<p>با توجه به هر یک از موارد داده‌شده، پاسخ درست را انتخاب کنید.</p> <p>الف) در بیت «لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه»، مصراع اول، آرایه «حسن تعلیل» دارد یا «تناقض»؟ ب) آرایه بارز در بیت «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست»، «اسلوب معادله» است یا «اغراق»؟ پ) در سروده «همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند»، ترکیب «دست زمان»، اضافه استعاره است یا تشبیهی؟ ت) در نوشته «زمزمه لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد»، آرایه «سجع» دیده می‌شود یا «حسن آمیزی»؟</p>			۱۹
۱	<p>هر یک از آثار «قصه‌های دوشنبه، در حیاط کوچک پاییز در زندان، فی حقیقه‌العشق و قصه شیرین فرهاد»، با کدام یک از توضیحات زیر متناسب است؟</p> <p>الف) کتابی است عرفانی از شیخ شهاب‌الدین سهروردی. ب) شعر خوان هشتم از سروده‌های این کتاب است. پ) این اثر از ترجمه‌های عبدالحسین زرین کوب است. ت) داستانی است طنز، از احمد عربلو با موضوع دفاع مقدس</p>			۲۰

کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	فارسی (۳)
ردیف	آزمون شماره ۹		نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۱
۲۱	<p><b>قلمرو فکری (۸ نمره)</b></p> <p>معنی هر یک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.</p> <p>الف) «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای مُنگر نَبُرد.»</p> <p>ب) «در همان بحبوحۀ بخوربخور منظرۀ زوال غاز خدایامرز، مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون انداخت.»</p> <p>پ) «توپخانه شروع کرده بود و صدای مهیب آن، صدای کودکانه اما خشک کلاش را در خود هضم می‌کرد.»</p> <p>ت) «چه استعجالی دارد که روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم!»</p> <p>ث) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان</p> <p>ج) «چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم</p> <p>چ) «فکری ای هم‌وطنان، در ره آزادی خویش</p> <p>ح) «سراسر همه دشتت بریان شدند</p> <p>گفت: «کار شرع کار درهم و دینار نیست»</p> <p>من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو»</p> <p>بنمایید که هر کس نکند، مثل من است»</p> <p>بر آن چهر خندانش گریان شدند»</p>		۱ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۲۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵
۲۲	<p><b>درک مطلب</b></p> <p>درک و دریافت خود را از سرودۀ زیر بنویسید.</p> <p>«و اگر دبدی، به ناگاه / خون من بر سنگ‌فرش خیابان جاری است، / بخند؛ زیرا خندۀ تو / برای دستان من، / شمشیری است آخته»</p>		۰/۵
۲۳	<p>مفهوم مشترک سروده‌های زیر را بنویسید.</p> <p>● «یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب</p> <p>کز هر زبان که می‌شنوم نامکّر است»</p> <p>● هر روز باید ذکری واحد را مکرّر بخوانم / و آن چه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو»</p>		۰/۵
۲۴	<p>با توجه به متن زیر، منظور هدهد از «خورشید» و «ذره» چیست؟</p> <p>هدهد در پاسخ طاووس گفت: «بهشت جایگاهی خرم و زیباست اما زیبایی بهشت نیز پرتوی از جمال سیمرغ است.»</p> <p>«هر که داند گفت با خورشید راز کی تواند ماند با یک ذره باز؟»</p>		۰/۵
۲۵	<p>مفهوم کدام بیت با عبارت «وصول به حُسن ممکن نشود؛ آلا به واسطۀ عشق و عشق هر کس را به خود راه ندهد»، یکسان است؟</p> <p>۱) بیم آن است کز غم عشقت</p> <p>سرب—رآرد دلم به شیدایی</p> <p>۲) من که هر آن چه داشتم اول ره گذاشتم</p> <p>حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو</p> <p>۳) بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟</p> <p>یعنی اگر نباشی کار دلم تمام است</p> <p>۴) می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را</p> <p>دررگ جان، هر که را چون زلف پیچ و تاب هست</p>		۰/۵
۲۶	<p>هر یک از موارد زیر، با کدام مورد در جدول داده‌شده مفهوم مشترکی دارد؟ (یک مورد در جدول اضافی است.)</p> <p>الف) «کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند</p> <p>کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟»</p> <p>ب) «حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخرۀ سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد.»</p> <p>پ) «شیرمردی باید این ره را شگرف</p> <p>زان‌که ره دور است و دریا ژرف ژرف»</p> <p>۱) نی حدیث راه پرخون می‌کند</p> <p>قصه‌های عشق مجنون می‌کند</p> <p>۲) راستی خاتم فیروزۀ بواسحاقی</p> <p>خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود</p> <p>۳) من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدستۀ سرو / ...</p> <p>۴) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد</p> <p>هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد</p>		۰/۷۵
۲۷	<p>بیت «مال این جا بایدت انداختن / ملک این جا بایدت دریاختن»، یادآور وادی ..... از هفت وادی منطق‌الطیر عطار است.</p>		۰/۲۵
	جمع نمرات	موفق باشید	۲۰

# پاسخ‌نامه تشریحی

## آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- شیره درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجّه و پرورش او، دانه خرمایی به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.
- ۲- «شبهه»: مانند، مثل، همسان
- ۳- الف) خلعت (ب) وظیفه‌بریدن
- ۴- «فرومی‌رود» و «برمی‌آید»: تضاد / «حیات» و «ذات»: سجع
- ۵- الف) فعل «است» بعد از «ذات» به قرینه لفظی حذف شده است. (مفترّح ذات است.) (ب) فعل «است» بعد از «رسیده» و «کشیده» به قرینه معنایی حذف شده است. (رسیده است / کشیده است.)
- ۶- محتسب گفت: «تو مستی، به این خاطر تلوتلوخوران راه می‌روی.»
- ۷- «حد»: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
- ۸- کلمه «قرامت» نادرست و شکل صحیح آن «غرامت» است
- ۹- رواج رشوه‌خواری
- ۱۰- گفت‌وگو / مناظره
- ۱۱- هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی
- ۱۲- فک اضافه؛ هرگاه «را» بین مضاف و مضاف‌الیه بیاید به آن فک اضافه می‌گویند. والی را سرای ← سرای والی
- ۱۳- جامه‌ای را که در راه وطن، غرق در خون نشود، پاره کن؛ زیرا آن جامه، باعث بدنامی تن است و از کفن هم کم‌ارزش‌تر است.
- ۱۴- «مُلک»: سرزمین
- ۱۵- گزینۀ «۱»: عزم
- ۱۶- الف) دعوت به مبارزه برای آزادی (ب) مبارزه با سلطۀ بیگانگان (پ) جان‌فشانی در راه وطن (ت) ستمگر بودن حاکم زمان
- ۱۷- برف را مانند کلاه‌خودی نقره‌ای بر قله داری.
- ۱۸- الف) «مشت روزگار» و «گردش قرن‌ها» (ب) «تو»: نهاد / «گردش»: متمم
- ۱۹- الف) «سیاه‌بخت»: کنایه از بیچاره (ب) «شرزه» و «گرزه»: جناس ناهمسان (ناقص)
- ۲۰- گزینۀ «۱»: مفهوم مشترک، «ساکت‌نبودن و سخن دل را به زبان آوردن» است.
- ۲۱- روزهای عمر ما عاشقان، با درد عشق به پایان می‌رسد و هر روزمان با سوز عشق، همراه شده است.
- ۲۲- «عرضه‌دادن»: بیان کردن، اظهار کردن
- ۲۳- بله، زیرا در هر دو بیت، یکی از مصراع‌ها مثال یا معادلی برای مصراع دیگر است و مصراع‌ها مستقل هستند.
- ۲۴- «باک نیست»: اهمیتی ندارد / «تو»: عشق
- ۲۵- الف) «نی» نماد انسان آگاهی است که می‌داند از جایگاه اصلی خود دور افتاده است. (ب) «بریدن» در معنای «جداشدن» است.
- ۲۶- کسی به طور قطع می‌تواند عشق را دریابد که در قید و بند خودش نباشد و خود را فراموش کند.
- ۲۷- «حُسن»: نیکویی، زیبایی
- ۲۸- «محبت»: نهاد / «عشق»: مسند
- ۲۹- الف) سهروردی (ب) عین‌القضات همدانی

۳۰- پیر و برنا: تضاد

۳۱- لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره‌باران

۳۲- معرفت - محبت

۳۳- «کازیه»: جاکاغذی، جعبه چوبی یا فلزی روباز که برای قراردادن کاغذ، پرونده یا نامه‌ها روی میز قرار می‌دهند.

۳۴- الف) «قاشیه» نادرست و شکل صحیح آن «قاشیه» است.

(ب) «حیاط» نادرست و شکل صحیح آن «حیات» است.

۳۵- گزینۀ «۱»: واژه «متر» ممیز است.

۳۶- «کی» جناس همسان (تام) دارد: در مصراع اول به معنی «پادشاه» و در مصراع دوم به معنی «چه وقت».

۳۷- الف) «آن»: وابسته وابسته از نوع «صفت مضاف‌الیه»

(ب) «بسیار»: وابسته وابسته از نوع «قید صفت»

۳۸- الف) همه به او توجّه داشتند. (ب) حکمت و علم و ... را رونق بخشیدن

## آزمون شماره ۲ (نوبت اول)

- ۱- نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی؛ نمی‌توان مثل و مانندی برایت نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی.
- ۲- «مگر»: امید است، شاید
- ۳- گزینۀ «۱»: واژه «سنایی» نادرست و شکل صحیح آن «ثنایی» است
- ۴- «مدعیان»: کسانی که حق را نیافته‌اند، اما به زبان مدعی وصال حق هستند.
- ۵- محتسب گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند.»
- ۶- «والی»: حاکم، فرمانروا
- ۷- «شویم» در معنی «برویم» آمده و فعل ناگذر است، «نیست» در معنی «وجود ندارد» یا «حاضر نیست» آمده و فعل ناگذر است.
- ۸- فقر موجود در جامعه
- ۹- غفلت مسئولان از مشکلات جامعه
- ۱۰- گزینۀ «۲»
- ۱۱- الف) قطعه (ب) غزل
- ۱۲- گر نور عشق حق به دل و جان او افتد
- ۱۳- تمام فریاد من که مانند پرندۀ اسیر هستم، برای وطن است و روش پرنده گرفتار قفس، مانند من است.
- ۱۴- «أهرمن»: اهریمن، شیطان
- ۱۵- «دفتر زمانه»: تشبیه («زمانه»: مشبه؛ «دفتر»: مشبّه‌به) / «افتادن نام از قلم»: کنایه از فراموش شدن
- ۱۶- «دعای خیر» و «توجّه از صمیم قلب به خداوند»
- ۱۷- وقتی زمین از ظلم و ستم آسمان، سرد، سیاه، بی‌صدا و معلق شد.
- ۱۸- «فسرده»: یخ‌زده، منجمد
- ۱۹- در بیت «ب» واژه «زمام» نادرست و شکل صحیح آن «ضمام» است. در بیت «پ» واژه «اثاث» نادرست و شکل صحیح آن «اساس» است.
- ۲۰- شاعر علت فراتر از ابرها بودن دماوند را، بی‌زاری از مردم و پنهان کردن چهره دانسته است: حسن تعلیل / آمدن «روی» و «چهره» و «نهفتن» برای دماوند: تشخیص
- ۲۱- هر کسی از روی حدس و گمان و در حدّ فهم خود، با من همراه شد.





۵۰- عشق

۵۱- کشتی (خیال به کشتی تندرو تشبیه شده است).

۵۲- قصه‌های دوشنبه / عبدالحسین زرین کوب

۵۳- نامکرربودن و تازگی عشق

### آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- سرور

۲- الف) طی می‌کنم، می‌پیمایم

ب) طعمایی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

۳- گزینه «۳»؛ (دستور در صورت سؤال و گزینه «۳» به معنای «وزیر» است؛ اما در دیگر گزینه‌ها به معنی «اجازه» آمده است.)

۴- الف) ناهار (ب) شست

۵- الف) غدر (ب) ظن (پ) عمارت

۶- الف) کازیه (ب) عشیره

۷- گزینه «۳»؛ اهتزاز

۸- الف) مضاف‌الیه مضاف‌الیه (ب) داشتم می‌گفتم

پ) قید (ت) ربط

۹- الف) معنایی (ب) غیراسنادی

پ) ضربتی چند (ت) پند

۱۰- رسم نمودار: نوع وابسته و وابسته: ممیز

### دو تخته فرش

۱۱- گزینه «۲»؛ به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

۱۲- الف) درست

ب) درست

پ) نادرست («تمام» در هر دو مصراع «صفت» است.)

ت) نادرست («ان» در «هزاران» نشانه جمع و در «بهاران» نشانه زمان است.)

۱۳- به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید.

۱۴- الف) گزینه «۲»؛ یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟

ب) گزینه «۱»؛ به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم

۱۵- الف) پروانه نماد عاشق حقیقی است.

ب) شغاد، نماد ناجوانمردی است.

۱۶- الف) واژه سر (فکر و خیال) (ب) خاک و پاک

۱۷- الف) آرزوی عمر طولانی کردن (ب) پس‌روی کردن، تنزل کردن

۱۸- گزینه «۳»؛ اشاره به آداب و رسوم و نمادهای ملی، «زمینه ملی» حماسه را می‌سازد.

در گزینه (۱) به راه و رسم پوشیدن کفن اشاره شده، در گزینه (۲) به باور گذشتگان به

تأثیر آسمان بر سرنوشت اشاره می‌کند و در گزینه (۴) به آیین و راه اشاره دارد.

۱۹- الف) تناقض (ب) اسلوب معادله

پ) اضافه استعاری (ت) حس آمیزی

۲۰- الف) فی حقیقه‌العشق (ب) در حیاط کوچک پاییز در زندان

پ) قصه‌های دوشنبه (ت) قصه شیرین فرهاد

۲۱- الف) آبروی بندگان را با گناه آشکار نمی‌ریزد و وجه معاش (رزق و روزی تعیین شده)

را به دلیل خطای زشت قطع نمی‌کند.

ب) در همان میانه غذا خوردن، منظره نابودی غاز، مرا به یاد ناپایداری روزگار ریاکار انداخت.

پ) آتش توپخانه آغاز شده بود و صدای ترسناک آن، صدای ضعیف اسلحه کلاش را محو می‌کرد.

ت) بعید نیست که به زودی خاطرات سفر ماه را هم بنویسم.

ث) محتسب: پولی بده و خود را نجات بده. مست: موضوعات دینی با پول (رشوه) حل نمی‌شود.

ج) مانند رود امیدوار اما ناآرام هستم، به سوی دریای اتحاد مردم می‌روم تا به آرامش برسم.

چ) ای هم‌میهنان برای آزادی خویش چاره‌های بیندیشید هر کس در پی چاره نباشد با

من زندانی تفاوتی ندارد.

ح) همه مردم ناراحت شدند و با دیدن چهره خندان سیاوش از شوق گریستند.

۲۲- شادی معشوق (وطن) به شاعر امید زندگی و قدرت مبارزه می‌بخشد.

۲۳- سخن عشق تکراری نیست و عاشق از ذکر نام معشوق خسته نمی‌شود.

۲۴- خورشید: سیمرغ یا خداوند

دزه: بهشت (دل بستگی‌های مادی)

۲۵- گزینه «۴»؛ مفهوم مشترک این است که عشق هر کسی را لایق نمی‌داند و عاشق

باید بی‌تاب و پرشور باشد.

۲۶- الف) ← ۲ (ب) ← ۳ (پ) ← ۱

۲۷- وادی طلب یا وادی اول

### آزمون شماره ۱۰ (نوبت دوم)

۱- گزینه «۳»؛ مصلحت (به معنای واژه «سامان» در واژه‌نامه نگاه کنید.)

۲- الف) اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره است.

ب) سرزنش، ملامت، تندی

پ) سرانگشت

۳- مایه (مایه: موجب / مایع: آب‌گونه، روان، سیال)

۴- گزینه «۱»؛ (در گزینه «۲») واژه «شیخ» نادرست و «شبه» صحیح است. «شَبَّحَ سایه

موهوم از کسی یا چیزی / شبّه: مانند، مثل)

۵- جناق / جناغ

۶- گزینه «۲»؛ «اصرار» صحیح است. (أصرار: رازها / إصرار: پافشاری)

۷- الف) حوزه (حوزه: ناحیه / حوضه: آبگیر)

ب) غربت (غربت: دوری / قربت: نزدیکی)

پ) غلیان (غَلَّیان: جوشش / قلیان: وسیله دود کردن تنباکو)

۸- گزینه «۲»؛ (در گزینه «۱») فعل ندا بعد از «عشق من آتو را صدا می‌کنم»؛ در گزینه

(۳) فعل «می‌خورم / یاد می‌کنم» بعد از «سوگند» و در گزینه «۴») عبارت «معلوم است»

بعد از «کجا» حذف شده است.)

۹- گزینه «۳»؛ (داشتم می‌گفتم، داشت می‌شد، داشت می‌یافت: ماضی مستمر / در

گزینه «۳») داشت و می‌دوید دو فعل هستند نه یک فعل ماضی مستمر.)

۱۰- چهار مفعول (عبارت «آن‌جا به صنعت در چه کوشند»: مفعول فعل گفت / «انده

خرند و جان فروشند»: مفعول فعل گفت / «انده»: مفعول فعل می‌خرند / «جان»: مفعول

فعل می‌فروشند)

۱۱- بس که زهر زخم‌ها کاریش (شکل مرتب‌شده: زهر زخم‌هایش ← زهر: هسته /

زخم‌ها: مضاف‌الیه / «ش»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

۱۲- الف) کاروان

ب) تا ساروان هیون آرد از دشت صد کاروان («تا» پیوند وابسته‌ساز است و جمله بعد از

آن جمله پیرو است.)

۱۳- الف) قید صفت

ب) تخلصی بس بجا

۱۴- الف) درست

ب) نادرست (هر دو ترکیب وصفی هستند. مادر سرسپید و فرزند سیاه‌بخت)

۱۵- الف) بوی گلم چنان مست کرد.

ب) م: م: مفعول / مست: مسند (من را مست گرداند.)

۱۶- الف) بدل (گرد سجستانی: بدل از تهمتن)

ب) عطف (زیرا بین دو واژه آمد، نه دو جمله.)

پ) جمع (اگر واژه «کوهان شتر» را در نظر بگیریم «ان» نشانه شباهت است، اما در

ترکیباتی مثل: شاه شاهان، مرد مردان، کوه کوهان و ... «ان» نشانه جمع است.)

۱۷- الف) تنیده یاد تو در تار و پودم میهن ای میهن

ب) از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه

۱۸- الف) ویکتور هوگو

ب) سندبادنامه



# درس نامهٔ توپ برای شب امتحان

سرور کائنات و مَفخَر موجودات و رحمتِ عالمیان و صَفوَت آدمیان و تَنَمَّهٔ دورِ زمانِ سرور موجودات و مایهٔ افتخار آفریدگان و رحمتِ خداوند بر جهانیان و برگزیدهٔ انسان‌ها و مایهٔ کمال گردش روزگار.

عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف:

گوشه‌نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می‌کنند.

واصفانِ جلیهٔ جمالش به تحیّر منسوب:

توصیف‌کنندگان زیور زیبایی خداوند در حیرت‌اند.

آن‌گه که از این معامله باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

وقتی که از آن حالت مراقبه بیرون آمد یکی از دوستان از روی صمیمیت از او پرسید: «از آن عالم غیب چه هدیه‌ای برای ما آورده‌ای؟»

چون برسیدم، بوی گُلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت:

زمانی که مقداری از معرفت الهی را درک کردم، چنان بی‌خود شدم که اختیار خود را از دست دادم.

## واژگان

- پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن
- ثنا: ستایش، سپاس
- جزا: پاداش کار نیک
- جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد.
- جود: بخشش، سخاوت، کرم
- حکیم: دانا به همه‌چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همهٔ کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بی‌پهوده انجام نمی‌دهد.
- رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند
- روی: مجازاً چاره، امکان
- سرور: شادی، خوشحالی
- سزا: سزاوار، شایسته، لایق
- شبهه: مانند، مثل، همسان
- عزّه: ارجمندی، گرمای شدن، مقابل دُلّ
- فضل: بخشش، کرم
- کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند
- ملیک: پادشاه، خداوند
- نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده
- وهم: پندار، تصوّر، خیال
- یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.
- إعراض: روی‌گرداندن از کسی یا چیزی، روی‌گردانی
- إنابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
- انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن
- باسق: بلند، بالیده
- بنات: جمع بنت، دختران
- بنان: سرانگشت، انگشت
- تاک: درخت انگور، رز
- تتمه: باقی‌مانده؛ تتمهٔ دورِ زمان: مایهٔ تمامی و کمال گردش روزگار، مایهٔ تمامی و کمال دورِ زمان رسالت
- تحفه: هدیه، ارمغان
- تحیّر: سرگستگی، سرگردانی
- تَضَرُّع: زاری کردن، التماس کردن
- تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن
- جسیم: خوش‌اندام
- جلیه: زیور، زینت
- خوان: سفره، سفرهٔ فراخ و گشاده
- دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
- ربیع: بهار
- روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛ وظیفهٔ روزی: رزق مقرّر و معین
- شفیع: شفاعت‌کننده، پایمرد
- شهد: عسل؛ شهد فایق: عسل خالص
- صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
- عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.

## فصل ادبیات تعلیمی



ستایش، درس یکم (شکرِ نعمت)، گنج حکمت (گمان)

### معنی

ملیکا، ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی

نروم جز به همان ره که توأم راه نمای

خداوند، تو را یاد می‌کنم که پاک و پروردگار هستی و فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی [یا جز راهی که تو راهنمای من باشی راه دیگری را نمی‌روم].

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

تنها درگاه تو را می‌جویم و به سبب لطف تو در تلاشم؛ فقط از یگانگی تو می‌گویم که شایستهٔ توحید و یگانگی هستی.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

نتوان شبّه تو گفتن که تو در وهم نیایی

نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی؛ نمی‌توان مثل و ماندنی برایت نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی.

مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی:

شاید برای او از آتش دوزخ، امکان رهایی وجود داشته باشد.

مَنّتِ خدای را، عَزَّ و جَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت:

سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرمی و بزرگ است که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او باعث افزایش نعمت می‌گردد.

هر نفسی که فرومی‌رود، مُمیدِ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّحِ ذات:

هر نفسی که فرو برده می‌شود باعث ادامهٔ زندگی است و وقتی بیرون می‌آید شادی‌بخش وجود است.

خوانِ نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده:

سفرهٔ نعمت بی‌مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه‌جا گسترده است.

پردهٔ ناموسِ بندگان به گناه فاحش نَدرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نَبُرد:

آبروی بندگان را با وجود گناهان آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

فَراشِ باد صبا را گفته تا فرشی زمردین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بناتِ

نبات در مهد زمین بپرورد:

به باد صبا دستور داده تا سبزه‌ها را مانند فرشی سبزرنگ بگستراند و به ابر بهاری فرموده تا مانند پرستاری، گیاه در گهوارهٔ زمین پرورش دهد.

درختان را به خلعتِ نوروزی، قبايِ سبزِ وَرَق در بر گرفته و اطفالِ شاخ را به قُدومِ

موسمِ ربیع، کلاهِ شکوفه بر سر نهاده:

به عنوان هدیهٔ نوروز لباس سبزی را از جنس برگ به درختان پوشانده و به خاطر آمدن فصل بهار، شکوفه را مانند کلاهی بر سر شاخه‌های کوچک قرار داده است.

عُصارهٔ تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخمِ خرمايي به تربیتش نخلِ باسق گشته:

شیرهٔ درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجه و پرورش او، دانهٔ خرمايي به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.

همه از بهرِ تو سرگشته و فرمانبردار

شرطِ انصاف نباشد که تو فرمان‌بری

ای انسان، تمام آفرینش مطیع و فرمانبردار تو هستند، منصفانه نیست که تو فرمانبردار خداوند نباشی.



## قلمرو فکری

● مفهوم مشترک موارد زیر «**ناتوانی در شناخت خداوند**» است:

هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد  
وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای  
واصفان جلیهٔ جمالش به تحیر منسوب که: «**ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ**».

## درس دوم (مست و هشیار)، شعر خوانی (در مکتب حقایق)

### معنی

● گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»

گفت: «جرم راه‌رفتن نیست، ره هموار نیست»  
محتسب گفت: «تو مستی، به این خاطر توتلوخوران راه می‌روی.» مست گفت: «راه‌رفتن  
من مشکلی ندارد، راه (جامعه) هموار و صاف نیست.»

گفت: «می‌باید تو را تا خانهٔ قاضی بزم.» محتسب گفت: «لازم است تو را به خانهٔ قاضی ببرم.»  
گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»

گفت: «والی از کجا در خانهٔ خمار نیست؟»  
محتسب گفت: «خانهٔ حاکم نزدیک است، آنجا برویم.» مست گفت: «از کجا معلوم که  
والی، خود در میخانه نباشد؟»

گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»

گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»  
محتسب گفت: «سگه‌ای به طور پنهانی به من بده و خودت را خلاص کن.» مست گفت:  
«کار دین با پول و رشوه درست نمی‌شود.»

گفت: «از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کتم»

گفت: «پوسیده‌است، جز نقشی ز پود و تار نیست»  
محتسب گفت: «برای تاوان مستی، لباست را از تنت بیرون می‌آورم.» مست گفت: «لباس  
من پوسیده است و فقط نقشی از تار و پودش باقی است.»

گفت: «باید حد زُند هشیار مردم، مست را»

گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست»  
محتسب گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند.» مست گفت: «یک  
هوشیار بیار، در اینجا همه مست هستند.»

● در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی  
ای فرزند، بکوش تا در مدرسهٔ حقایق، نزد آموزگار عشق، روزی به مقام راهبری و کمال برسی.  
خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد

آن‌که رسی به خویش که بی خواب و خور شوی  
وابستگی به لذت‌های مادی، تو را از جایگاه انسانی خودت دور کرده است؛ زمانی به مقام  
حقیقی خود می‌رسی که لذت‌های مادی را ترک کنی.

وجه خدا اگر شودت منظرِ نظر

زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی  
اگر نگاه و توجه تو تنها به سوی خداوند باشد، یقیناً از این به بعد، آگاه و دارای بصیرت  
خواهی شد.

### واژگان

● ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، تزییر: نیرنگ، دورویی، ریاکاری  
در متن درس به معنای معلّم و مرتبی است. حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار  
افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن و مجرم  
اسب و الاغ و ... می‌بندند. خمار: می‌فروش  
اکراه: ناخوشایندبودن، ناخوشایند داشتن دار ملک: سرزمین  
امری داروغه: پاسبان و نگهبان، شب‌گرد

عزّ و جلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛  
بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.

عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز  
دیگر به دست آورند؛ افشره، شیره  
فاحش: آشکار، واضح

فایق: برگزیده، برتر  
فزّاش: فرش گستر، گسترندهٔ فرش  
قبا، جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز

است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را  
با دکمه به هم پیوندند.  
قُدم: آمدن، قدم‌نهادن، فرارسیدن

قسیم: صاحب‌جمال  
کاینات: جمع کاینه، همهٔ موجودات جهان  
کرامت‌کردن: عطا کردن، بخشیدن

مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه  
بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در  
همهٔ احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه‌داشتن

دل از توجه به غیر حق  
مزید: افزونی، زیادی  
معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی؛  
در این‌جا مقصود همان مراقبت و مکاشفت است.

معترف: اقرار کننده، اعتراف‌کننده  
مُفخّر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛  
مایهٔ افتخار  
مُفَرّج: شادی‌بخش، فرح‌انگیز  
مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن،  
پی‌بردن به حقایق  
مُمدّد: مددکننده، یاری‌رساننده  
مُنّت: سپاس، شکر، نیکویی  
منسوب: نسبت داده‌شده  
مُطاع: فرمانروا، اطاعت‌شده، کسی که دیگری  
فرمان او را می‌بُرد.  
مُنکّر: زشت، ناپسند  
موسم: فصل، هنگام، زمان  
ناموس: آبرو، شرافت  
نّبات: گیاه، رُستنی  
نبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول  
نسیم: خوش‌بو  
واصفان: جمع واصف، وصف‌کنندگان،  
ستایندگان  
وَرَق: برگ  
وسیم: دارای نشان پیامبری  
وظیفه: مقرری، وجه معاش

### املا

● اعراض، انابت، انبساط، باسق، تحیر، ثنا و ستایش، جزا، جلیه، خون و سفره، شینه و  
مانند، صفوت و برگزیده، عاکفان، فایق، منصوب و برگزیده، منسوب و نسبت داده‌شده،  
قریب و نزدیک، عجیب و غریب، دورافتاده و غریب، بحر و دریا، برای و از بهر، عزّ و ذلّ  
(عزّت و ذلّت)

### قلمرو زبانی

● واژگان هم‌آوا (کلماتی که تلفظ یکسان اما املا و معنای متفاوت دارند): قربت: نزدیکی  
← غربت: دوری / حیات: زندگی ← حیاط: زمین جلو ساختمان / خون: سفره  
← خان: رئیس، سرور / بحر: دریا ← بهر: برای / منسوب: نسبت داده‌شده  
← منصوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده

● در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»: ضمیر «م» در «گلم»  
مفعول است (بوی گل چنان مستم کرد)، و ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست»  
است. (دامن از دستم برفت).

### انواع حذف:

1) حذف به قرینهٔ لفظی: گاهی بخشی از جمله به‌ویژه فعل را برای پرهیز از تکرار حذف  
می‌کنیم. به این نوع حذف، حذف به قرینهٔ لفظی صورت گرفته است؛ مانند:

– منت خدای را که طاعت او موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت است.

2) حذف به قرینهٔ معنایی: هرگاه فعل یا بخشی از جمله حذف شود و از راه معنی به  
بخش حذف‌شده پی ببریم، حذف به قرینهٔ معنایی صورت گرفته است؛ مانند:

– بنده همان به است [است] که ز تقصیر خویش  
عذر به درگاه خدای آورد  
فعل «است» اصلاً در جمله نیامده و ما از طریق معنی به بخش حذف‌شده پی برده‌ایم.

### قلمرو ادبی

● در بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»،  
«مرغ سحر» نماد «مذعیان دروغین عاشقی» و «پروانه» نماد «عاشقان راستین» است.  
● کتاب «گلستان» اثر سعدی و کتاب «کلیله و دمنه» ترجمهٔ نصرالله منشی است.



بیت‌های زیر با متن درس «مست و هشیار» ارتباط موضوعی دارند:

1 دور شو از بزم ای واعظ و بیهوده مگوی

من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم

ارتباط موضوعی: در این بیت به دورویی نصیحت‌گویان و کسانی که مردم را از کار بد منع کرده اما خودشان اهل گناه بوده‌اند، اشاره شده است. در این درس نیز دورویی محتسب نشان داده شده است.

2 گفت مست: «ای محتسب بگذار و رو

از برهنه کی توان بردن گرو؟»

ارتباط موضوعی: در این بیت به رشوه‌خواری و زورگویی محتسبان اشاره شده و این که آنها حتی به کسانی که بسیار فقیر بوده‌اند نیز رحم نمی‌کرده‌اند. در متن درس نیز آشکارا به این موضوع اشاره شده است. به‌ویژه در این دو مصراع: «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» و «گفت: از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون گنم».

3 مفهوم مشترک ابیات زیر این است که «عشق الهی موجب رسیدن به کمال می‌شود»:

- دست از مس وجود چو مردان ره پشوی

تا کیمیای عشق بیابتی و زر شوی

- گر نور عشق حق به دل و جانت اوفند

بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی

4 مفهوم مشترک ابیات زیر این است که «عشق الهی آدمی را حفظ می‌کند»:

- یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر

کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

- بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود

در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

## فصل ۲: ادبیات پایداری

درس سوم (آزادی، دفتر زمانه)، گنج حکمت (خاکریز)

### معنی

3 نالۀ مرغ اسیر، این همه بهر وطن است

مَسَلکِ مرغ گرفتارِ قفس، هم‌چو من است

تمام فریاد من که مانند پرنده‌ای اسیر هستم، برای وطن است و روش پرنده گرفتار قفس، مانند من است.

همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد

خبر از من به رفیقی که به طُرفِ چمن است

از باد سحر می‌خواهم که اگر ممکن باشد، خبری از من برای دوستی که آزاد است ببرد.

خانه‌ای کاو شود از دست آجانب آباد

ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الحزن است

برای کشوری که به دست بیگانگان آباد شود، آن قدر اشک بریز تا نابود گردد؛ زیرا آنجا، خانه غم است.

جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن

بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

جامه‌ای را که در راه وطن، غرق در خون نشود، پاره کن؛ زیرا آن جامه، باعث بدنامی تن است و از کفن هم کم‌ارزش‌تر است.

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت

آری نداشت غم که بیش و کم نداشت

هرگز غم و اندوه شرایط زندگی در دلم راه نیافت؛ بله، دلم غمی نداشت، زیرا غصه اوضاع زندگی را نخورد.

دِرهم، دِرم، مسکوک نقره؛ که در گذشته، به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس مطلق پول مورد نظر است.

دینار: واحد پول، سکه طلا؛ که در گذشته رواج داشته است. در متن درس مطلق پول است؛ وزن و ارزش دینار در دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است.

ذوالجلال، خداوند، پروردگار، خداوند صاحب جلال و عظمت

زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.

صنعت: پیشه، کار، حرفه

صواب: درست، پسندیده، مصلحت

غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن

### املا

اکراه، تزویر، داروغه، صواب و درست، ثواب و پاداش، غرامت، مُحْتَسِب، واعظ، وثیقه، مسکوک نقره

### قلمرو زبانی

3 به فعل‌های مشخص‌شده و کاربرد معنایی آنها توجه کنید:

گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»

گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

«شویم» در معنی «برویم» آمده و فعل غیراسنادی است، «نیست» در معنی «وجود ندارد» یا «حاضر نیست» آمده و فعل غیراسنادی است.

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست

در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

«نیست» در مصراع اول فعل اسنادی و «آگاه» مسند آن است، اما در مصراع دوم به معنی «وجود ندارد» آمده و غیراسنادی است.

ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم:

«می‌شویم» در معنی «می‌گردیم» فعل اسنادی و «سبز» مسند آن است.

### قلمرو ادبی

3 در قطعه «مست و هشیار» از شیوه گفت‌وگو استفاده شده است. به این صورت که دو نفر در حال گفت‌وگو بوده و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی بینشان رد و بدل می‌شود. در اصطلاح ادبی به این نوع گفت‌وگو «مناظره» می‌گویند.

3 شیوه بیان در قطعه «مست و هشیار» و بیت زیر طنزآمیز است:

با محتسب عیب مگوید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مُدام است

شعر «مست و هشیار» سروده پروین اعتصامی، در قالب قطعه و به شیوه مناظره است.

### قلمرو فکری

3 مصراع «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» به «رشوه‌خواری» و مصراع «گفت: جرم راه‌رفتن نیست، ره هموار نیست» به «شرایط بد جامعه» اشاره دارند.

3 در بیت زیر بر «ارزش عقل و بی‌توجهی به ظاهر» تأکید شده است:

گفت: «آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه»

گفت: «در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست»

3 در بیت زیر بر این که «کار حرام کم و زیاد ندارد و نباید انجام شود» تأکید شده است:

گفت: «می بسیار خوردی زان چنین بی‌خود شدی»

گفت: «ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست»